

تَبْقُظُ تَبْقُظُ يَا نِيَامُ
 يَا نَائِمًا عَمَّنْ نَوْمِهِ فَإِنَّهُ
 يَا ذَا الَّذِي اسْتَفْرَقَ فِي نَوْمِهِ
 أَهْلَ تَقْوَىٰ إِنِّي مُزِنُّ
 رَبِّكَ بِدَعْوَىٰ لِأَبِيهِ
 صَلَّى عَلَىٰ سَيِّدِنَا الْمُصْطَفَىٰ
 قَدْ هَزَمَ فِي الْفَجْرِ جُنُودَ الظُّلَمِ
 لَيْلِكَ قَدْ اسْرَعَ فِي الْإِنْفِرِ
 أَنْتَ تَنَامُ وَرَبُّكَ لَا يَنَامُ
 مُشْتَغِلٌ اللَّيْلَ بِطَيْبِ لُحْنَامِ
 اسْتَلَّكَ الْعُقُوبُ بِغَيْرِ انْتِقَامِ
 أَحْمَدُ الْمَهَادِي عَلَيْهِ السَّلَامُ

ارجو من السلامه فيما عرفت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بعد حمد خالق نعت رسول
 بشواین گفته تو بر سمع قبول
 در کلام خویش حق درستی بفت
 رتلا القرآن ترتیلد بگفت
 یعنی ای قاری توایات کلام
 بر سر تجوید خوان در هر مقام
 زانکه نقلت از امیر المؤمنین
 جامع قرآن امام پاک دین
 هم روایت از علامه مرتضی
 از مدینه علم ان باب رضا
 گفت

گفت ترتیل آنکه دانی تو قوف
 در مخارج حروف خواندن باصفا
 از صفتها دارن حق حروف
 دانش اظهار اخفاد کلام
 معنی و اشباع بامدات نیز
 بر تائقی لفظ بامعنی ادا
 پس بدان تجوید قرآن لازمست
 هم بقول حضرة خیر الانام
 وانکه ارجح ترتیلش بجای
 در ادای بحث تجوید کلام
 لیدک نظمی مختصر گوید فقیر
 بهم پسندی خاطر عالی شود
 خامه کردش کافی التجوید نام
 در قوافل علم تجوید حروف
 هم تامل در ادای کلمات
 نیک واقف بودن از حفظ قوف
 انقلاب ادغامات تمام
 فوق سراه لادم در حد تمیز
 این بود معنی ترتیل از خلا
 هر که بی تجوید بخواند آنمست
 میکند قرآن بر دلفت مدام
 شافع او میشود در دوسرای
 قاریان تالیفها کرده تمام
 تا بود مرمبتدیرا دلپذیر
 باعث خوشنودی و الا شود
 تا شود کافی ز بهر خاص عام